

مشخصات ازدواج در ایران

[۳]

تحولات اجتماعی که در چند دهه اخیر در مملکت روی داد سن ازدواج را بطور کلی به عقب برد، هر چند این حکم خصوصاً در مورد مردان شهر نشین صادق است. جدول زیر این موضوع را به تعبیری آماری بیان می کند.

جدول (۴)

نسبت در صد مردان و زنان ازدواج کرده قبل از ۲۵ سالگی در چند حوزه سرشماری عمومی (۱۳۳۵)

حوزه	زنان		مردان	
	دهات	شهرها	دهات	شهرها
مشهد	۹۰/۲	۸۵/۰	۳۲/۰	۲۵/۲
طهران	۸۸/۰	۸۰/۵	۳۰/۳	۲۱/۷
اصفهان	۹۲/۴	۸۹/۹	۳۱/۳	۲۳/۶

عواملی که این تغییر را باعث شده فهرست وار از این گونه است :

- ۱ - انتشار تعلیمات متوسطه و عالی که هم برای پسران و به درجات خفیف تر برای دختران مانع ازدواج های زودرس است.
- ۲ - لزوم خدمت نظام برای مردان که خصوصاً در شهرها زن گرفتن را به عقب می اندازد. امروزه بسیاری از روستائیان نیز که برای این خدمت یادر طلب کار به شهرهای دور دست رو می آورند مدتی در ازدواج دیر می کنند.
- ۳ - ضرورت کسب تخصص و تأمین معاش به استقلال عامل دیگر است. این مطلب نه فقط در مورد مردان راست می آید بلکه چون این روزها ازدواج کاهش یافته و دشواری معیشت، بیشتر اعضای خانواده ها، کوچک را به کار و کوشش مادی واداشته است در مورد زنان نیز صدق می کند.

۴ - عامل دیگر رواج روز افزون سرگرمی ها و تفریحات بیرون خانه و باب شدن روابط آزاد دو جنس است که در محیط شهری روبه فزونی است :

- ۵ - تغییر هدف زناشویی را در آخر باید ذکر کرد - در گذشته مرد هنگام ازدواج بیشتر پای بند ملاحظات اجتماعی و اقتصادی بود و رعایت مصالح خانوادگی می کرد و چون قصد تشکیل عائله ای روبه گسترش داشت همسری بسیار جوان برمیگزید. امروزه مرد شریک زندگی و رفیق راه می جوید و طالب همسری است که هم آهنگی روحی و فکری با وی حاصل تواند کرد. از این رو کسی را طلب می کند که زندگي سال و ماه

بر او برآمده و پختگی یافته باشد و قادر باشد که ارتباط عقلی و معنوی باوی برقرار کند و با او همسخن و هم دل گردد. هر عصری و هر قوم و گروهی نوعی زن را می پسندد و بجای زن «عروسک وار» یا «زن زاینده» غالباً این روزها - خصوصاً در قشرهای متوسط و بالای جامعه شهری - زنی را ترجیح می دهند که شایستگی همزبانی و رفاقت داشته باشد. بر آن چه گفته شد به اشاره این نکته را باید افزود که مشکل پسندی پسران و دختران امروز ورشده که در سلیقه همسرگزینی به علل گوناگون حاصل شده است خود بخود ازدواجها را به عقب می برد.

پیوند درون گروه و همخونی

آمار سالانه زناشویی در طهران (۱۳۳۷) حاکی از آن است که از ۱۶۱۲۹۵ ازدواج، ۲۱۱۷ مورد یعنی حدود ۱۳ درصد میان زن و مردی صورت گرفته است که درجه‌ای قرابت

نسبی با هم داشته اند^۱. شبهه نیست که نسبت ازدواج‌های «همخون» در روستاها و نقاطی که اسیر عزت جغرافیائی است از این هم بالاتر می رود. این گونه زناشویی اختصاصاً به ایران ندارد، در همه ممالک فاقد رشد اقتصادی پیوندهای درون گروه به‌عللی از جمله دشواری رفت و آمد و ارتباط میان آبادی‌ها فراوان دیده می شود. حتی زندگی مجزای طبقات مختلف اجتماعی در محله‌های جدا از هم در یک شهر واحد نیز در کثرت زناشویی‌های درون گروه مؤثر است. عامل دیگر که همین نتیجه را پدید می آورد عامل اقتصادی چون سربستگی اقتصاد قدیم روستائی است آنجا که ده واحدی جدا افتاده است و معیشتی به‌خود متکی دارد و آنچه را تولید کند به جای عرضه به بازار شهری، درون خود به مصرف می رساند احتمال رونق این گونه پیوندها زیاد است.

بر عوامل دور افتادگی جغرافیائی و بستگی اقتصادی سه عامل دیگر را باید اضافه کرد و این سه به عرف، مذهب و طبقه اجتماعی مربوط است. عامل عرفی چون اعتقاد به میمنت زناشویی میان پسرعمو و دختر عمو است چه بگفته عامه عقد این دو را در آسمان بسته‌اند.

ازدواج میان پسر خاله و دختر خاله یا پسر دائی و دختر عمه و مانند آن‌ها در ایران معمول است اما به آن اندازه ستایش نمی شود. عجب این است که در بسیاری از جامعه‌ها زناشویی پسر عمو و دختر عمو مطلوب نیست و حتی ممنوع است. بگفته کویتر^۲ علت این منبع آن بوده است که در پارهای از اقوام که اکثراً به طریقه‌ای ابتدائی به کار کشاورزی می پردازند نظام خویشاوندی جنبه «طبقه بندی» دارد و به عبارت دیگر برادر پدرچون در طبقه «پدر» جا دارد «پدر» خوانده می شود و در نتیجه نمی توان دختر او را که به منزله خواهر خود است به همسری گرفت ولی برای ازدواج با دختر عمه «خواهر پسر»

۱ - ویزینا به آمار وزارت دادگستری در مرداد ماه سال ۱۳۳۹ از ۳۵۷ ازدواج

که در طهران روی داده ۳۳ مورد (اندکی کمتر از ده درصد) بین خویشاوندان نسبی بوده است.

۲ - هانس کویتر: زناشویی صور و منشأ آن ترجمه فرانسه - ۱۹۵۲ ص ۸ به بعد

چنین مشکلی در میان بیست چون خواهر پدر هم طبقه او حساب نمی شود و پدرش نمی خوانند. به اعتقاد کوتر ازدواج میان فرزندان دو خواهر یا خصوصاً اطفال دو برادر تنها نزد اقوام چوپان و دامپرور و از جمله میان اعراب مقبول افتاده است. این نوع ازدواج در هر صورت ملایم طبع خانواده قدیم پدر سالاری است زیرا چنین خانواده ای نگران حفظ و توسعه قوت و قدرت خویش است و با پیوند های درونی و تحکیم روابط افراد خود در این راه می کوشد. شاید هم اصول اشراف منشی چون اعتقاد به ممتاز بودن خون نجبا و نجیب زادگان در استقبال از این قسم زناشویی مؤثر بوده است. بگفته ماسه رواج ازدواج های میان پسر عمو و دختر عمو در خانواده های طبقات بالا بر صحت این فرض گواهی می دهد^۱. فراموش نشود که چنین زناشویی گاه به منظور رفع اختلافات تدبیر می شود مانند ازدواج های مصلحتی که خانواده های معتبر يك تیره با شاخه های کونا کونا کون يك ایل طرح می ریزند.

تأثیر عامل مذهبی روشن است. مسلمان نمی تواند دختر خود را به ازدواج به مرد غیر مسلمان بدهد، مثال گویاتر گوشه کزینی مذهبی در اقلیت های ایران خاصه یهودیان و زرتشتیان است. جامعه های آسوری و کلدانی و ارمنی نیز به آسانی، با افراد خارج عقد زناشویی نمی بندند. در مورد زرتشتیان، اندیشه نگهداری خود از نفوذ اسلامی عامل اساسی بوده است به این تدبیر بود که ایشان توانستند پیش از سیزده قرن آئین خود را محفوظ بدارند و بر طبق سنت های دیرین خویش عمل کنند و راه بیگانه را بر جامعه خویش فرو بندند^۲. تاریخ گواه آن است که شماره زرتشتیان در خلال زمان بسیار کاسته شده و اینک به حدود ده هزار رسیده است حتی پارسیان هند نیز همین شیوه صیانت جامعه را پیش گرفته اند و چون عقاید مالتوسی در باب تحدید ولادت را به نظر موافق دیده و در کار آورده اند عددشان ثابت مانده و حتی به کاهش گراییده است.

عامل شغلی و صنعتی و بطور کلی اصل طبقاتی درون ساختمان های

درون

متحجر اجتماعی که تحرك و ارتقاء از قشری به قشر دیگر در آن دشوار یا محال است نقش بارزی در ترویج زناشویی های درون گروه دارد. این امر را مثلاً در جامعه روزگار ساسانیان مشاهده می کنیم و پس از اسلام نیز با وجود روح تساوی آئین جدید کمیاب نبوده است. معذک همیشه زن گرفتن از طبقه پست تر پذیرفته شده و تنها دختر به مردی از طبقه کهنتر دادن تنگ بوده است در گذشته بسیاری از «اعیان» از راه پیوند موقت کنیزان و خدمتکاران خود را به جباله نکاح خویش می آوردند و بقایای این

۱ - هانری ماسه - اثر سابق الذکر - ص ۶۲

۲ - نزد ایرانیان پیش از اسلام (رك . مظاهری - کتاب نامبرده - ص ۶۰) زناشویی با مردم بیرون کیش و غیر ایرانی و خارج از طبقه اجتماعی شخص مجاز نبوده است و اعضای طبقات ممتاز نمی توانسته اند از میان عامه همسری اختیار کنند و حتی آشوب زمان اسکندر و جانشینان او و اختلالی که از آئین اشتراکی مزدك يك چند پیدا شد این قاعده و ترتیب را بر هم نتوانست زد.

رسم هنوز برجاست . حتی در جامعه امروزی که دیوارهای فاصله طبقاتی تاحدی شکسته است ملاحظاتی از قبیل توجه به اصل و نسب بر زناشویی هائی تأثیر نمایان دارد اما تعیین حدود این تأثیر مستلزم پژوهش بیشتر است .

چند زنی

درست است که قوانین اسلامی حق اختیار چهار زن و عده نامعلومی صیغه را به مرد می دهد و سنت پیش از اسلام ، خصوصاً نزد اشراف چند زنی بوده است اما امروزه این نوع ازدواج کمیاب است و غالباً به چشم پدیده می شود و رقمی که پیش از این در باره شمار احتمالی این زناشویی بر اساس سرشماری عمومی ۱۳۳۵ نقل کردیم در کل ازدواج ها نسبت مهمی نشان نمی دهد در عوض - این نکته را نا گفته نباید گذاشت - چون زود از همسری گستن و به دیگری پیوستن سهل است ۱ شاید چند زنی غالباً ضرورت هم پیدا نمی کند .

دو زنی در مواردی و خصوصاً نزد پاره ای از قشرها و طبقات مشخص اجتماعی چون روحانیون ، بازرگانان و کسبه ، افرادی که شغل ایشان موجب تحرك مکانی زیاد است مانند رانندگان بیشتر ملاحظه می شود اما سه زنی و بیشتر بسیار نادر است و اصولاً تعدد زوجات در محیط شهری رائج تر است و مردان پیش از چهل ساله به آن تمایل افزونتری نشان می دهند ۲ .

بر علت قانونی چند زنی علل اجتماعی و اقتصادی را باید افزود و ماقبالاً به بعضی از آن ها اشاره کرده ایم و حاجت تکرار نیست . عواملی که از رواج چند زنی کاسته خود آن علل و ریشه های دیگر را معلوم می دارد از جمله این عوامل استقلال روز افزون اجتماعی و اقتصادی زن و کم نیازی او به قبول شوهری « مشترك » تنها ، برای تأمین معاش و بقای خویش است . چون دیگر پهناوری خانواده و کثرت اطفال شأن و اهمیت ندارد زن نازا ناگزیر نیست که به همسر خود اختیار زنی دیگر را توصیه کند یا زن یائسه « هووو » را خواه و ناخواه بپذیرد . چون خانواده کمتر واحد تولید اقتصادی را تشکیل می دهد احتیاجی به توسل به چند زن به عنوان کارگرایگان نیست - رفع حجاب و آشکار و رسمی شدن روابط اجتماعی سدی برابر چند زنی است - دشواری معیشت خانوادگی و فزونی

۱ - مثلاً در ازدواج های شهر طهران در مرداد ماه ۱۳۳۹ (جمعا ۳۵۷ مورد) عده کثیری از مزدجین برای دومین بار و ۱۴ مرد و ۱۴ زن برای سومین بار و ۴ زن و ۱۴ مرد برای چهارمین بار و حتی ۳ مرد و ۲ زن برای پنجمین بار همسر می گرفته اند .
۲ - دکتر بهنام ارتباطی میان نوع کشت و چند زنی در محیط روستائی حدس می زند این رابطه ظاهراً در مورد چایکاری و اصولاً مشاغلی که در آن نیاز به کارگر مجانی هست مثبت و در مورد کندمکاری و پرورش غلات منفی است . در هر صورت تأثیر نحوه زندگی اقتصادی بر شماره زن تردید ناپذیر است چنانکه به گفته کوشاورزی خصوصاً که با دامپروری و زندگی شبانی بالنسبه پیشرفتهای همراه شود مساعد چند زنی است در حالی که صید و کشاورزی بسیار ابتدائی تک زنی را سازگار تر است (کتاب سابق الذکر ص ۸۹ به بعد)

بمحاسب توقعات زنان و نیرویابی بی سابقه حس حسادت آنان هم چند همسری را غیر مقدر کرده است چون خوش آیند شخصی بیش از ملاحظات اجتماعی بر همسرگزینی حاکم است رعایت جهانی چون همسر تازه از خانواده‌های با گروهی برای رفع اختلافات یا نشیید مناسبات گرفتن ضرورت نمی‌یابد و مایه چند زنی نمی‌شود - نمایش توانگری و قدرت امروزه از راه چند زنی معمول نیست و وسائل بهتر برای این جلوه و عظمت فروشی هست ^۱.

تغییری که در سیر از چند زنی به يك زنی روی داده هنوز تازه است و انتظار می‌رود که در آیند سرعت بیشتری پیدا کند .

اما در باره ازدواج موقت باید گفت که آن هم درپاره‌ای از طبقات اجتماعی و گروه های شغلی وجود دارد مثلاً نزد بازرگانان ، ولی به طور کلی می‌توان کاهش و زوال سریع این رسم را در جامعه دید از قدیم جامعه همواره این نوع ازدواج را به چشم تحقیر نگریسته است و زنانی که حاضر به ازدواج موقت می‌شدند از محیط های محقر و فقیر برخاسته بودند هدف . نکاح منقطع در آن دوره ایجاد فرزندان بسود یامیل داشتن کدبانویی برای تدبیر منزل مردان را به آن سوق می‌داد یا خصوصاً قصد بر آوردن احتیاجات غیرزنی در هنگام اقامت در شهری دروازه یار و دیار بود .

امروزه ازدواج موقت (نکاح منقطع) بیش از همیشه پنهانی صورت می‌گیرد ^۲ و همسران از ابراز راز خود بدیگران امتناع می‌نمایند و فرزندان که از نکاح منقطع پدید آمده‌اند نوع زناشویی پدر و مادر خود را به دیگران افشا نمی‌کنند .

جامعه این رسم قدیم را شرم آور می‌شناسد و ازدواج موقت نقش خود را که در گذشته کامجویی جنسی بود از دست می‌دهد و به جای چنان ازدواجی روابط آزادانه جنسی که جامعه بیش از پیش به دینده اعمالش در آن نظر می‌کند رواج می‌یابد .

صفت دیگر ازدواج در ایران ، تزلزل و نا ایمنی آن است **نا ایمنی**
این امر در ایام سابق نتیجه حقوق مطلقه مرد در مورد طلاق بود و امروزه بیشتر بر اثر تحول شکرگی که در هدف و ساختمان و وظائف خانواده حاصل شده رو نموده است گرایی مهر و درج شروط ضمن عقد دو نوع تأمین است که در برابر

۱ - کسانی که چند زنی را با « علت طبیعی » آماری یعنی فزونی شماره زنان مجرد بر مردان طالب زناشویی توصیه می‌کنند سخن درست نمی‌گویند زیرا اگر جنگ و سوانح مشابه استثنائی چون مهاجرت جمعی مردان به خارج نباشد دلیلی نیست که میان دو جنس از نظر کمی تعادلی نباشد .

۲ - معذک در آمار ها گاه به ارقامی نارسا در باره عدد این زناشویی ها بر می‌خوریم مثلاً همان آمار ازدواج های طهران در ماه مرداد ۳۹ حاکی از سه فقره نکاح منقطع است (کمتر از يك صدم کل زناشویی ها) روشن است که اکثر ازدواجهای منقطع در دفتری ثبت نمی‌شود .

تزلزل، امروزه قبول و رواج تام یافته است. مطالعه در دفاتر ازدواج شمال شهر طهران معلوم می‌کند که مهریه بیشتر دختران این منطقه که از طبقات بالترافه مرفه هستند از بیست تا صد هزار تومان تعیین می‌شود درحالی که مهریه عروسان مرکز و جنوب شهر که محلات حقیرتر را دربرمی‌گیرد از صد تومان تا سی هزار تومان است. شاید بتوان گفت که امروزه ناایمنی ازدواج و تزلزل بنیان خانواده در طبقات بالاتر افزون تر افزون تر است و سنگینی مهر تنها علامت اعتبار و حیثیت خانوادگی و نتیجه و توقعاتی از نوع هوس تجمل و تجلی نیست بلکه دفاعی در برابر تزلزل اساس زناشویی نیز شمرده می‌شود. دفاع دیگر شروط ضمن عقد است. از مطالعه ای که زیر نظر نگارندگان این سطور در مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی انجام شده بر می‌آید که از سیصد مورد ازدواج، در پنجاه مورد، زنان ازدواج خود را مقید به شروطی کرده‌اند^۱ قیدی که بیش از همه در این قباله‌ها دیده می‌شود این است که «مادام زوجیت، زوج عیال دیگری انتخاب نکند» و در مواردی زنان حق طلاق را برای خود مطالبه کرده‌اند^۲. به قوت می‌توان حدس زد که رواج «شروط ضمن عقد» خصوصاً در طبقات ممتاز روز افزون است و تاحدی جبران ناایمنی زناشویی را بر اساس حقوق مدنی کنونی می‌کند.

مطلبی که شایان تحقیقات دقیق روانشناسی است این است که این تزلزل پایه خانواده در ایران تا چه حد در خصوصیات روحی اطفال و جوانان مؤثر می‌شود و در ایجاد شخصیت خاص اساسی ایرانی سهمی می‌برد. آیا خود کامکی و بی اعتمادی نسبت به دیگران که این اندازه پیش ایرانیان شدید است انعکاس روشنی از این تجربه دردناک زندگی خانوادگی نیست؟^۳

«پایان»

ژویشگاه علوم انسانی - جمشید بهنام - شاپور راسخ

پرتال جامع علوم انسانی

- ۱ - این سیصد مورد ازدواج در دفتر ازدواج شماره ۱۲۱ طهران واقع در خیابان شاه‌آباد ثبت شده است و البته نماینده همه زناشویی‌ها خصوصاً آنها که در محلات کاملاً آعیان نشین صورت می‌بندد نمی‌تواند باشد.
- ۲ - این مطالعه اخیراً در جراید پایتخت و مجله ثبت احوال چاپ شده است.
- ۳ - در تبیین شوقی که زنان شرق به گریستن و شرکت در مجالس عزاداری دارند تأثیر این آزمایش تلخ اجتماعی نباید نادیده گرفته شود.